

# نبرد زن

نشریه دسته هشت مارچ زنان افغانستان

شماره چهارم دوره اول هشت مارچ 2007 ( 17 حوت 1385 )

هشت مارچ ، روز جهانی زن ، طی دو محفل جداگانه در دو منطقه مختلف کشور بطور مشترک توسط " دسته هشت مارچ زنان افغانستان " و " جنبش انقلابی جوانان افغانستان " تجلیل گردید . درین محافل اعلامیه های دسته هشت مارچ زنان افغانستان و جنبش انقلابی جوانان افغانستان ، تاریخچه هشت مارچ ، مقالاتی در رابطه با مسائل زنان و اشعار انقلابی قرائت گردیدند . در یکی از محافل سرود های انقلابی نیز اجرا شده و همچنان یکتن از منسوبین جنبش انقلابی جوانان افغانستان سخنرانی نمود .

یکی از این محافل بطور نیمه مخفی و دیگری بطور نسبتاً علنی برگزار گردید . گرچه قبلاً نیز دو بار محافل تجلیلیه از هشت مارچ توسط روابط دور و نزدیک دسته هشت مارچ زنان افغانستان در کشور برگزار شده بود ، اما امسال برای اولین بار تجلیل از این روز بطور مشترک توسط دسته هشت مارچ زنان افغانستان و جنبش انقلابی جوانان افغانستان به عمل آمد . علاوه سطح مسائل مطرح شده در محافل امسال نسبت به سطح مسائل مطرح شده در محافل تجلیلیه سابق در کشور بالا بوده و استقبال از مباحث مطرح شده و علاقمندی شرکت کنندگان نسبت به مباحث متذکره گسترده تر و عمیق تر بود .

امید است برگزاری محافل تجلیلیه هشت مارچ امسال ، سر آغازی باشد برای فعالیت های جدی تر و گسترده تر دسته هشت مارچ زنان افغانستان در کشور . همچنان امید است برگزاری این محافل ، فعالیت های مبارزاتی جنبش انقلابی جوانان افغانستان را در رابطه با مسئله زنان بیشتر از پیش شگوفائی و تحرک ببخشد . این آرزومندی برای پویایی بیشتر مبارزات انقلابی در عرصه زنان در کشور یک نیاز جدی مبارزاتی است و تحقق عملی آن یک ضرورت مهم در پاسخدهی به الزامات مبارزاتی برای تدارک ، برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی محسوب می گردد . پس باید آرزومندی های مان را پرورش دهیم و توانمندی های عملی مبارزاتی مان را ارتقا ببخشیم .

مطالب مندرج در شماره چهارم نبرد زن ، شامل اعلامیه ها ، مقالات ، و اشعار قرائت شده ، سرود های انقلابی اجرا شده و سخنرانی ایراد شده در این محافل و اسناد دیگر است . دو گزارش مختصر از محافل تجلیلیه هشت مارچ امسال نیز در این شماره از نبرد زن گنجانده شده است .

## گزارش شماره اول

فهمیدیم. " تعدادی هم در اخیر خواهان رابطه و همکاری خصوصا با " دسته هشت مارچ زنان افغانستان " شدند . بعضی ها انتقاد نمودند که چرا ما را زودتر از این در جریان برگزاری محفل قرار نداده اید ، تا ما هم در برگزاری محفل سهم می گرفتیم . استقبال حضار از محفل تجلییه هشت مارچ باعث تقویت روحیه مبارزاتی تمامی منسوبین " دسته هشت مارچ زنان افغانستان " و " جنبش انقلابی جوانان افغانستان " گردید و به اراده و عزم شان قاطعیت بیشتری بخشید . شعار های محفل از این قرار بود .

**ما زنان نظاره گر جهان نیستیم ، جهان باید به دست ما بچرخد !**

**زنان نیمی از آسمان را به دوش می کشند و باید آن را فتح کنند !**

**آزادی زنان افغانستان را نباید در بدل فروش و قربانی کردن وطن گدایی کرد !**

" تاریخچه هشت مارچ " ، " اعلامیه جنبش انقلابی جوانان افغانستان " به مناسبت هشت مارچ و " اعلامیه دسته هشت مارچ زنان افغانستان " به مناسبت هشت مارچ در میان شرکت کنندگان محفل توزیع گردید .

هشت مارچ امسال 2007 به ابتکار " اعضاء و هواداران " دسته هشت مارچ زنان افغانستان " اعضاء و هواداران " جنبش انقلابی جوانان افغانستان " در ..... برگزار شد .

برگزار کننده گان با شور و شوق زاید الوصفی در این تجلیل شرکت جستند . آنها چندین روز برای تدارک محفل هشت مارچ ، به تبلیغ در میان زنان و دختران جوان مبادرت ورزیدند . محفل ساعت 1 بعد از ظهر روز هشتم مارچ آغاز شد و تا ساعت پنج همان روز ادامه داشت . در این محفل بیشتر از صد نفر که نصف آن را دختران مکاتب و زنان تشکل میداد ، شرکت کرده بودند .

مقالات و سخنرانی ها در سامعین سخت تاثیر نموده و آنها را به عکس العمل واداشت . از میان حاضرین ، دو زن و یک مرد به طور اعتراض آمیز جلسه را ترک گفتند . اما متباقی شرکت کنندگان با علاقمندی تمام تا ختم محفل نشستند و به مقالات و سخنرانی ها گوش دادند . در آخر محفل به سوالات سامعین جواب داد شد . محفل تجلییه در بعضی ها تاثیر فوق العاده نمود ، طوریکه یکی از حاضرین در ختم مجلس چنین گفت: " ما فکر می کردم این محفل تجلییه هشت مارچ هم مانند سایر محافل به تقلید از خارجی ها برای دریافت فند از موسسات خارجی ترتیب داده شده است . اما حالا دیگر

## گزارش

### شماره دوم

محفلی از ساعت 2 بعد از ظهر شروع شد و تا ساعت 4 بعد از ظهر ادامه داشت. در این محفل زنان و دختران با شور زانده الوصفی و عده سپردند که برای از بین بردن هرگونه ستم با جدیت مبارزه خواهند نمود. آنها این نکته را خاطر نشان ساختند که آزادی زنان تحفه ای نیست که از طرف امپریالیست های اشغالگر و دست نشاندهگان شان برای زنان هدیه داده شود، بلکه زنان می توانند - و باید - از طریق مبارزات پیگیر و جدی خود شان، آزادی شان را بدست بیاورند. یقیناً آنها در این مبارزه، پشتیبانی و حمایت مردان آزادیخواه را با خود خواهند داشت. در شرایط فعلی اولین گام برای آزادی، منجمله آزادی زنان، بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده می باشد. اشتراک کنندگان محفل تعهد کردند که برای بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم پوشالی و انقلاب دموکراتیک نوین با جدیت مبارزه نمایند و زنان مبارز و انقلابی را در این راه بسیج کنند.

روز پنجشنبه هشتم مارچ 2007 (17 صحت 1385) به گرامیداشت از روز جهانی زن محفلی در ... بر گزار گردید. محفل به اشتراک بیست تن از زنان و دختران برگزار گردید. محفل با خواندن این شعر توسط انانسر آغاز شد:

زندگی آخر سر آید بندگی در کار نیست  
بندگی گر شرط باشد زندگی در کار نیست

با حقارت گر بیارد بر سرت باران در  
آسمان را گو برو بارندگی در کار نیست

زندگی آزادی انسان و استقلال اوست  
بهر آزادی جدل کن بندگی در کار نیست

بعدا انانسر از اشتراک کنندگان محفل تشکر و امتنان نموده و با شادی و سرور گفت: خوشوقتیم از اینکه امسال توانستیم حد اقل در این منطقه هشتم مارچ را تجلیل نموده و روز جهانی زن را گرامی بداریم. امید وارم که در آینده بتوانیم از این روز تجلیل هر چه با شکوه تری به عمل بیاوریم.

بندگی گر شرط باشد زندگی در کار نیست  
شاد باش ای خسته دل شرمندگی در کار نیست  
آسمان را گو برو بارندگی در کار نیست  
دورش افکن اینچنین دارندگی در کار نیست  
جان ده و رد کن که سرافکندگی در کار نیست  
بهر آزادی جدل کن بندگی در کار نیست

زندگی آخر سر آید بندگی در کار نیست  
گر فشار دشمنان آبت کند مسکین مشو  
با حقارت گر بیارد بر سرت باران در  
گر که با وابستگی دارای این دنیا شوی  
گر به شرط پاییوسی سر بماند در تنت  
زندگی آزادی بی انسان و استقلال اوست

## زنده باد هشتم مارچ روز جهانی زن

از آن رژیم مستبد و ستمگر ، در واقع از ستم خشن طالبی بر زنان حمایت کنند . اما امروز نفع شان را در این می بینند که نجات زنان افغانستان از استبداد و ستم طالبی را علم کنند و در مورد احقاق حقوق زنان به لاف و گزاف بپردازند . آنان بدینوسیله می خواهند مسئله زنان را همانند پرده فریب دیگری ، همانند دموکراسی خواهی ، ترقی خواهی و صلح طلبی دروغین ، بر روی تجاوز و اشغالگری امپریالیستی و حاکمیت پوشالی رژیم دست نشانده بکشند و چهره کریه سیاست استعماری را بپوشانند . درین راستا است که حرکت های نمایشی ای از قبیل شرکت زنان در رده های مختلف حاکمیت پوشالی براه می اندازند و تعدادی از زنان تسلیم طلب و یا متوهم را زینت آرای صحنه فریب و نیرنگ شان می سازند .

رژیم دست نشانده به مثابه یک رژیم تئوکرات اساسا دارای ماهیت زن ستیزانه و ستمگرانه است و این امر در قانون اساسی این رژیم مسجل شده است . ترکیب این رژیم وسیعا زن ستیزان تئوکرات ، اعم از طالبی یا جهادی ، تسلیم شده به اشغالگران امپریالیست را در بر می گیرد . اینها دشمنان قسم خورده زنان و تا مغز استخوان شوونیست و زن ستیز هستند . ادعاهای اینچنین رژیم و اربابان خارجی شان ، در مورد تامین حقوق زنان به نمایشات مضحکه آمیز و قابل تمسخر می ماند .

بار دیگر هشتم مارچ روز جهانی زن فرا رسید . " دسته هشت مارچ زنان افغانستان " به استقبال از این روز تاریخی می شتابد . ما همانند سال های گذشته از روز جهانی زن تجلیل به عمل می آوریم . ما در این روز مصمم تر از پیش ، تعهد مان در پیشبرد مبارزه بر ضد شوونیسم مرد سالار را یکبار دیگر تازه می کنیم . ما اعلام می کنیم که مبارزه ما بخشی از یک مبارزه عمومی بخاطر جامعه و جهان عاری از هر نوع استثمار و ستم است .

مبارزه ما در قدم اول و بصورت عمده علیه امپریالیست های اشغالگر و رژیم پوشالی دست نشانده شان است . اینها عاملین و حاملین عمده ستم بر زنان هستند . ادعاهای آنها بخاطر تامین حقوق زنان ، ادعاهای فریبنده و میان تهی است .

یکی از بهانه های امپریالیست های اشغالگر امریکائی و متحدین شان در تجاوز به افغانستان و اشغال این کشور ، نجات زنان افغانستان از ستم و استبداد رژیم طالبان بود . آنها هنوز هم این ادعا را تکرار می کنند . اما ما فراموش نمی کنیم که ستم و استبداد رژیم طالبان در اثر حمایت های مستقیم و غیر مستقیم همین به اصطلاح ناجیان امروزی زنان افغانستان بر این کشور و مردمان آن تحمیل گردید .

بنابراین آنچه مطرح است تغییر سیاست خود آنان در مورد مسئله زنان در افغانستان است . در زمان حاکمیت طالبان ، منافع آنها ایجاب می کرد که با حمایت

کنند تا نشان دهند که تجاوز به افغانستان و اشغال این کشور به نفع زنان افغانستان است. آنها از این روز تجلیل می کنند تا نشان دهند که یک رژیم دست نشانده می تواند تامین کننده حقوق زنان باشد. آنها از این روز تجلیل می کنند تا نشان دهند که وطن‌روشی و خیانت ملی برای تامین حقوق زنان لازمی و ضروری است. آنها از این روز تجلیل می کنند تا نشان دهند که زنان افغانستان حاضر اند در بدل تحفه های ناچیز و حقیری که بنام حقوق شان از سوی اشغالگران به آنها داده می شود، بر سر استقلال و آزادی ملی شان سودا بازی کنند. آنها از این روز تجلیل می کنند تا در چهره فریبده حامی زنان، شوونیزم جنسی و ستمگری بر زنان را کماکان تداوم بخشند و نظام ستمگرانه شان را سر پا نگهدارند.

این فریبکاری ها را با تشدید مبارزات اصولی زنان میتوان - و باید - بیشتر از پیش افشا و رسوا نمود. "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" اینچنین افشاگری و کمک به تشدید مبارزات اصولی زنان را وظیفه و مسئولیت تخطی ناپذیر خود می داند و با تمام قوا در پیشبرد آن می کوشد.

"دسته هشت مارچ زنان افغانستان" در عین حال وظیفه خود می داند که زن ستیزی جاهلانه و شوونیستی غلیظ طالبان را قویا محکوم نموده و مبارزاتش را علیه آن پیش ببرد. در شرایط اشغالگری امپریالیستی و حاکمیت پوشالی رژیم دست نشانده، نظریات و عملکرد های غلیظ شوونیستی مرد سالارانه فئودالی طالبان شدیداً به نفع اشغالگران و خائنین ملی

اینک مدت بیشتر از پنج سال از اشغال افغانستان توسط امپریالیست های امریکائی و متحدین شان و حاکمیت پوشالی رژیم دست نشانده می گذرد. در طول این مدت وضعیت زنان افغانستان اساساً رو به بهبود نبوده و روز بروز وخامت بیشتر و بیشتر یافته است. زنان همه روزه قربانی خشونت های خانوادگی و قبیلوی می گردند، خرید و فروش دختران و زنان همچنان وسیعاً جریان دارد، محرومیت های وسیع و فراگیر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زنان اساساً دست نخورده باقی مانده است و خون آنها بطور روزانه در پای هیولای "ناموس پرستی" ارتجاعی فئودالی به زمین ریختانده می شود. اگر از فیصدی کوچکی از زنان مربوط به رده های مختلف رژیم دست نشانده بگذریم، وضعیت بیشتر از نود و پنج فیصد زنان افغانستان از لحاظ اقتصادی و امنیت شخصی، حتی نسبت به زمان حاکمیت رژیم طالبان بدتر گردیده است. آنها فقیرتر و گرسنه تر از آن زمان هستند و منابع درآمد ناچیزی را که در درون اقتصاد کوچک خانوادگی داشتند، وسیعاً از دست داده اند، در حالیکه هیچ منبع دیگری نیز جای آنرا نگرفته است. با حاکمیت داره های متجاوز وندی های جهادی بر مناطق مختلف افغانستان، زنان این کشور حتی از امنیت شخصی سنتی کمتری نسبت به زمان طالبان برخوردار هستند.

حرکت های نمایشی و فریبکارانه اشغالگران و دست نشانندگان شان در تجلیل از هشت مارچ روز جهانی زن، ماهیت و چهره زن ستیزانه آنها را نمی تواند بپوشاند. آنها از این روز تجلیل می

دست نشانده شان تمام می شود . به همین جهت این نظریات و عملکرد ها نه تنها مسمگرا نه ، شوونیستی و ارتجاعی است ، بلکه در شرایط فعلی در ضدیت با منافع ملی مردمان افغانستان نیز قرار دارد .

زنده باد هشت مارچ روز جهانی زن !

زنده باد مبارزات حق طلبانه زنان در افغانستان و سراسر جهان !

" دسته هشت مارچ زنان افغانستان "

هشت مارچ 2007

\*\*\*\*\*

سرودی که در یکی از محافل تجلیله هشت مارچ توسط منسوبین " دسته هشت مارچ زنان افغانستان " و " جنبش انقلابی جوانان افغانستان " خوانده شد .

روز هشت مارچ را فرخنده تر می کنیم

دشمن آزادی را خوار و ابتر می کنیم

آسمانها را بگو، ما ستاره می شویم      بیکرانها را بگو، ما شراره می شویم

روز هشت مارچ را فرخنده تر می کنیم

دشمن آزادی را خوار و ابتر می کنیم

بزم پیروزی منم ، شعر آزادی منم      خشم زنده گی منم، عشق و دوستی منم

روز هشت مارچ را فرخنده تر می کنیم

دشمن آزادی را خوار و ابتر می کنیم

زنهای آزاده را قدرتمندش می کنیم      زن های بیچاره را سربلندش می کنیم

روز هشت مارچ را فرخنده تر می کنیم

دشمن آزادی را خوار و ابتر می کنیم

## روز جهانی زن گرامی باد

برگزارمینماید نیست . هشت مارچ روزی است که باید زنان با برگزاری آن ، به رسمیت شناساندن هویت اجتماعی و انسانی خویش را جستجو کنند، واقعیتی که در نظامهای طبقاتی مردسالار برای قرنهای نادیده گرفته شده و کماکان نادیده گرفته می شود . رهائی و آزادی زنان تحفه ای نیست که اشغالگران و دست نشاندگان شان به زنان پیشکش کنند ، آنهم در بدل قربانی کردن استقلال و آزادی ملی کشور و مردمان کشور و به گردن نهادن زنجیر انقیاد ملی . رهائی و آزادی زنان با مبارزه طولانی و سخت خود زنان و حمایت مردان آزادیخواه از مبارزات آنان به کف می آید . در شرایط کنونی افغانستان ، مبارزه زنان بخاطر رهائی و آزادی عمدتاً بخشی از کل مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان بوده و تابع منافع عمومی آن است .

اعمال ستم بر زنان بخش لایتجزائی از کل نظام سمترگرانه حاکم بر جامعه بوده و در پیوند با استثمار طبقاتی و همچنان در یک رابطه تنگاتنگ با ستم ملی ( اعم از ستم ملی امپریالیستی و ستم ملی شوونیستی ) قرار دارد . از اینرو زنان مبارز نمی توانند مبارزات شان را محدود و منحصر به مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده - علیرغم عمده بودن آن در شرایط کنونی - بنمایند . این

هشتم مارچ روز جهانی زن است . در این روز تمامی زنان مبارز و مردان حامی مبارزات آنان آماده میشوند تا یکبار دیگر خواست رهائی و آزادی از ستم را فریاد کنند ، تجارب نوین و دست آورد های جدید مبارزاتی خود را مطرح کنند و رشته های پیوند و اتحاد محکمتر خویش را به نمایش بگذارند . در این روز تاریخی باید اندیشه و عمل انقلابی درمیان استثمار شدگان و تحت ستم قرار گرفتگان سراسر جهان ، بخصوص زنان زحمتکش و تحت ستم طنین انداز شود . هشتم مارچ روز مبارزه برای آزادی و رهائی زنان درسراسر جهان است .

در کشور اشغال شده افغانستان ، اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشاری حامد کرزی این شاه شجاع سوم برای اینکه پرده فریبی بر روی اشغالگری و خیانت ملی شان کشیده باشند ، به پیشواز برگزاری روز جهانی زن میروند ، این یک حرکت آگاهانه برای خنثی کردن و از محتوا تهی کردن این روز مبارزاتی میباشد تا بتوانند آنرا مهار کنند و تحت کنترل خود بگیرند . باید به تمامی مردمان آزاده این سرزمین ، خصوصاً زنان ستمدیده افغانستان واضح ساخت که این روز يك روز بیاد ماندنی درتاریخ مبارزات زنان جهان است و انطوری که اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشاری دست نشانده مطرح میکنند و آنرا

از لحاظ بین المللی با براه افتادن گلوبالیزسیون سرمایه داری و هجوم وسیع سرمایه از کشور های امپریالیستی به کشورهای عقب مانده، بخشهای بزرگی از زنان از خانه بیرون کشیده شده و درگیر کار و تحصیل گشته اند . در عین حال ، زنان همچنان در سطح کل جامعه بشری موقعیت درجه دوم داشته و اسیر نظام مردسالار بوده هستند. این تناقض، مسئله زن را در سراسر جهان حادث کرده است . زنان جهان در چنگ نظام های پدرسالار- مردسالار (هم ارتجاعی و فنودالی و هم "مدرن" و امپریالیستی) که از آنان تبعیت و خدمت می خواهند، در اسارت، جان می دهند . در جهان کنونی در مقابل زنان دو بدیل می گذارند : به اصطلاح رهائی امپریالیستی یا سنت خفقان آور فنودالی . آنان کدامیک را باید انتخاب کنند؟ هیچکدام را ، زیرا که هر دوی این بدیل ارتجاعی با رهائی زنان هیچ وجه اشتراکی ندارند ؛ اصلا با منافع اساسی اکثریت مردم جهان ، چه زن باشند و چه مرد ، وجه اشتراک ندارند .

جنبش انقلابی جوانان افغانستان با تعهد استوار این شعار را سر میدهد که ما عزم راسخ داریم تا یک جنبش مقاومت ملی مردمی و انقلابی قدرتمند علیه تجاوز، تهاجم و اشغال آمریکا بسازیم . تجاوز و اشغال آمریکا امروز شامل افغانستان و عراق است و آنها نقشه می کشند که ایران یا کشورهای دیگر ، بخصوص در شرق میانه و آسیای میانه و آسیای جنوبی ، را نیز مورد تجاوز و اشغال قرار دهند . امپریالیزم آمریکا بطور افسارگسیخته بدنبال کنترل تمام جهان است. میلیون ها

مبارزات به مثابه مبارزات همه جانبه تمامی عرصه های جامعه ، از محیط کوچک خانواده تا سطوح وسیع جامعه ، را در بر می گیرد . در شرایط کنونی ، به ویژه مبارزه جدی و قاطع علیه آن بینش و خط ارتجاعی زن ستیز از اهمیت بزرگی برخوردار است که حق خواهی زنان و مبارزات بر حق آنان را " مارک امریکائی " می زند و مخالفت و مقاومت علیه اشغالگران را مترادف و مساوی با انکار حقوق زنان و نفی مبارزات حق طلبانه آنان می داند . اینچنین بینش و خط ارتجاعی که امروز عمدتا طالبان در حال جنگ با قوای خارجی و رژیم پوشالی عامل و حامل آن هستند ، صرفا بر خاسته از مواقف و منافع فنودالی بومی نمی باشد ، بلکه دو مرجع و منبع بین المللی و خارجی نیز دارد . روشن است که مرجع و منبع جهانی آن همانا امپریالیزم جهانی است . رژیم طالبان توسط امپریالیست های امریکائی و متحدین امپریالیست و دنباله روان ارتجاعی آنها ساخته و پرداخته شد و بر مردمان افغانستان تحمیل گردید . این موضوع را نباید در شرایط امروز ، و همچنان در شرایط آینده ، به فراموشی سپرد . مرجع و منبع خارجی دوم بینش و خط ارتجاعی طالبان ، پان اسلامیزم ارتجاعی تقویت کننده آنان است که مبارزه و مقاومت علیه کارزار بین المللی جنگی امپریالیست های امریکائی و متحدین شان را با ترجمه و تفسیر شدیداً ارتجاعی و واپسگرایانه می آلاینند . این مرجع و منبع خارجی نیز به نوبه خود توسط قدرت های امپریالیستی سازماندهی و تقویت گردیده و صرفا برخاسته از شرایط درونی کشور های اسلامی نیست .



نفر در آمریکا و در سائر کشور های جهان با این نقشه و برنامه های ارتجاعی که رژیم بوش می خواهد در جهان و در داخل آمریکا تحمیل کند مخالفت کرده اند. اما لازم است که سطح مخالفت و مقاومت بالا برده شود و ما مصممانه در حال انجام آن هستیم .

باید به این سطح از آگاهی رسید که تا دست اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده کنونی از سر مردمان ما کوتاه نگردد ، آزادی زنان نیز میسر نخواهد بود . در شرایط کنونی ، مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان ، آن چوکات عمومی ای است که مبارزات حق طلبانه زنان علیه ستم مرد سالاری نیز عمدتا در داخل آن پیش برده می شود . برین مبنا است که روز جهانی زن را گرامی می داریم و مبارزات زنان رزمنده را بطور روز افزونی شگوفان تر و پر بار تر می خواهیم و دست آورد های عظیمی برای ان آرزو می نمائیم .

**به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی !**

**زنجیرها را بگسلیم ! خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی برای انقلاب رها کنیم!**

**پیام به سازمان ملی – دموکراتیک  
آوارگان افغانی**

**به سازمان ملی – دموکراتیک  
آوارگان افغانی !**

### **دوستان هم‌رزم !**

با خوشوقتی اطلاع یافتیم که در پنجمین سالگرد تجاوز و اشغال افغانستان توسط امپریالیست های امریکائی و متحدین شان ، تدویر محفلی را رویدست گرفته اید . " دسته هشت مارچ " از این اقدام تان حمایت به عمل می آورد و آرزومند است که این محفل با موفقیت برگزار گردد . طی روز های آینده ، اعلامیه دسته هشت مارچ به مناسبت پنجمین سالروز تجاوز به افغانستان و اشغال آن توسط امپریالیست های امریکائی و متحدین شان ، برای تان ارسال می گردد . این اعلامیه در داخل کشور و همچنان در ساحات مهاجر نشین در کشور های همسایه پخش خواهد شد . امید داریم تا آنجائیکه ممکن باشد این اعلامیه از طریق محفل شما نیز پخش گردد .

**دسته هشت مارچ زنان افغانستان**

**25 سپتامبر 2006**

**جنبش انقلابی جوانان افغانستان**

**هشت مارچ 2007**

## تاریخچه هشتم مارچ (روز جهانی زن)

تظاهرات را بخاک و خون کشاند. عده زیادی از زنان تظاهر کننده کشته شدند و عده بیشتری دستگیر گردیدند. خاطره این مبارزات پنجاه سال بعد در سال 1907 باز هم با گردهمائی گسترده تر زنان آزادیخواه و روشنفکر دوباره زنده گشت. ایده انتخاب روزی بعنوان "روز زن" نخستین بار در جریان مبارزه زنان نیویارک با شعار "حق رای برای زنان" مطرح شد. این شعار خصلتی فراگیر داشت و توده وسیع زنان را از اقشار و طبقات مختلف در بر می گرفت. زنان در پشت این شعار، به رسمیت شناساندن هویت اجتماعی و انسانی خویش را جستجو می کردند، واقعیتی که در نظامهای طبقاتی مردسالار برای قرنها نادیده گرفته می شد. دو هزار زن تظاهر کننده در 23 فبروری 1909 پیشنهاد کردند که هر سال در روز یکشنبه آخر فبروری، یک تظاهرات سراسری در امریکا بمناسبت "روز زن" برگزار شود. دومین کنفرانس زنان سوسیالیست در سال 1910 به مسئله تعیین روز جهانی زن پرداخت، زنان اتریشی قبلا روز اول ماه می را به عنوان روز جهانی زن پیشنهاد کرده بودند. اما اول ماه می جایگاه و مفهوم خاص خود را داشت که نمیتوانست اهمیت و جایگاه مبارزه مشخص برسر مسئله زن را تحت الشعاع قرار دهد. بدین اساس، کنفرانس، تاریخ برگزاری نخستین مراسم "روز زن" را 19 مارچ 1911 تعیین کرد. البته تصمیم

اگر به تاریخ مبارزات نظر اندازیم می بینیم که در صفحات آن روزهای بیاد ماندنی وجود دارند، روزهایی که بعنوان نشانه و مظهر هر مبارزه در تاریخ مبارزات ثبت شده و به مظهر و فراخوان مبارزه تبدیل میشوند. در اینچنین روزهاست که هر سال آمل و اهداف مبارزه با صدای بلند اعلام شده و به گوش تمام جهانیان رسانده میشود و به این ترتیب بیان می گردد که تضادهائی که این مبارزه را پا داده و قوت بخشیده است هنوز هم حل نشده اند.

روز هشتم مارچ نیز یکی از همین روزهای تاریخی است که بنام روز جهانی زن در تاریخ مبارزات جهان ثبت گردیده است. سر آغاز تاریخی روز جهانی زن، هشتم مارچ 1857 میباشد. در این روز زنان کارگر پارچه باف در امریکا به مبارزه برخاستند و دلیل آن هم شرایط سخت کاری و زندگی مشقت بار آنها یعنی ساعات کار طولانی و خسته کن، دستمزد اندک، استنثار شدید و محرومیت از هرگونه امکانات رفاهی و بر علاوه آن وظیفه نگهداری و بزرگ کردن فرزندان و کار بردگی خانگی در خدمت شوهران و مردان خانواده بود. آنها به جاده ها و سرکها ریختند و خواهان افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار و بهبود شرایط کار خود شدند. 8 مارچ 1857 مقاومت زنانی را انعکاس میداد که با حرکت پرشتاب سرمایه داری به عرصه تولید و کار خارج از خانه کشیده شده بودند. پولیس این

1936 زنان دربرلین تظاهرات کردند . آنها از گرسنگی و فلاکت و بیکاری به تنگ آمده بودند . در همان روز در اسپانیه تظاهرات گسترده سی هزار نفری در شهر مادرید به راه افتاد و تمامی جهانیان را به دفاع از حقوق زنان فرا خواند .

در دهه 1960 اوضاع سیاسی در گوشه و کنار دنیا پر التهاب و توفانی بود . در کشورهای آسیا و افریقا و امریکای لاتین جنبش های رهایی بخش پیاپی بودند . در کشورهای سرمایه داری پیشرفته نیز جنبشها و مبارزات انقلابی و ترفیخواهانه بالا گرفته بود . انقلاب فرهنگی در چین گام های عمیق و گسترده ای که در تاریخ بینظیر بود در راه رهایی زنان بر می داشت . بر بستر این اوضاع ، جنبش رهایی زنان نیز اوج و گسترش چشمگیر یافت . در امریکا و اروپا ، زنان علیه سنن و قیود و قوانین مردسالارانه و احکام اسارت بار کلیسایی پیاپی خاستند . در جنبش زنان موضوعاتی نظیر " حق طلاق " ، " حق سقط جنین " ، " تامین شغلی " ، " منع آزار جنسی " ، " ضدیت با هرزه گردی " ، " کاهش ساعات کار روزانه " و غیره مطرح شد . این جنبش موفق شد در برخی از این زمینه ها پیشروی کند و دستاوردهای آن در برخی از کشورها ماندگار شد . در آن دوره نیز ، جنبش رهایی زنان به درستی از جنبش عمومی انقلابی در اروپا و امریکا جدا نماند و نمی توانست بماند . یک نمونه این امر ، تظاهرات هشتم مارچ 1969 در امریکا بود . زنان انقلابی و مبارز در دانشگاه برکلی گرد آمدند و علیه جنگ تجاوزکارانه یانکی ها در ویتنام تظاهرات کردند .

گیري قطعي براي تعيين روز جهاني زن به بعد موکول شد . در تاریخ مشخص شده ، تمامی سرک های آلمان ، اتریش ، سوئیس و دنمارک با مارش قدرتمند زنان به لژزه درآمد . تعداد زنان تظاهر کننده در مادرید به سی هزار تن می رسید . در سال 1913 " دبیرخانه بین المللی زنان " هشتم مارچ را به یاد مبارزه زنان کارگر نساج در امریکا ، بعنوان " روز جهانی زن " انتخاب کرد . در همان سال زنان زحمتکش آگاه و زنان روشنفکر انقلابی در روسیه تزاری و در سراسر اروپا ، مراسم هشتم مارچ را به شکل تظاهرات و گرد همائی های وسیع برگزار کردند . سال 1914 جنگ جهانی اول بالای جنبش زنان و مسائل و شعارهای پیش پای این جنبش کاملاً تاثیر گذاشت . تظاهرات سال 1915 و 1916 تحت شعار مرکزی " علیه جنگ امپریالیستی " برگزار گردید .

در سال 1917 در روسیه ، تظاهرات گسترده زنان کارگر در پتروگراد علیه گرسنگی و جنگ و تزاریزم بانگ آغازین انقلاب بود و به يك روز فراموش نشدنی در تاریخ انقلاب روسیه بدل گشت . در سال 1921 " کنفرانس زنان انترناسیونال سوم " در مسکو برگزار شد و روز هشتم مارچ بعنوان " روز جهانی زن " به تصویب رسید . این کنفرانس زنان سراسر جهان را به گسترش مبارزه علیه نظام موجود و برای تحقق خواسته های زنان فراخواند .

از اواسط 1930 ، برگزاری تظاهرات " روز جهانی زن " در کشورهای پیاپی که تحت سلطه فاشیسم بودند غیر قانونی اعلام شد . اما علیرغم این ممنوعیت در هشتم مارچ

در چنین شرایطی دولت های سرمایه داری مجبور بودند در مقابل جنبش رهایی زنان به تدابیر و حیلله گری های تازه متوسل شوند . همان بود که "سازمان ملل متحد" پا پیش گذاشت و در سال 1975، هشتم مارچ را بعنوان " روز جهانی زن " برسمیت شناخت .  
 اما اجرای مراسم قلابی و فرمایشی " روز زن " و حرکت های دیگری که از

\*\*\*\*\*

خیز از جای و طلب کن حق خویش  
 خواهر من ز چه رو خاموشی

خیز از جای که باید زین پس  
 خون مردان ستمگر ریزی

خیز از جای و طلب کن حق خویش  
 از کسانی که ضعیفت خوانند

از کسانی که به صد حیلله و فن  
 گوشه ی خانه ترا بنشانند

تا به کی در حرم شهوت مرد  
 مایه عشرت و لذت بودن

تا به کی همچو کنیز بدبخت  
 سر مغرور به پایش سودن

تا به کی در پی یک لقمه نان  
 صیغه ی حاجی صد ساله شدن

خیز از جای و بکن ریشه ظلم  
 راحتی بخش دل پر خون را

جهد کن ، جهد که تغییر دهی  
 بهر آزادی خود قانون را

## گرامی باد هشتم مارچ روز جهانی زن

بیش از پنج سال از تجاوز نظامی امپریالیست ها به رهبری امریکا بر افغانستان می گذرد و رژیم دست نشانده به زودی شش ساله می شود . از زمانیکه رژیم دست نشانده تحت رهبری اربابش بر مسند قدرت تکیه زده ، عدم امنیت زنان بصورت فاحشی افزایش یافته است ، تجاوزات جنسی به زنان و دختران جوان و قتل های ناموسی ابعاد وسیع و وحشتناکی را بخود گرفته است .

کشور های اشغالگر امپریالیستی به رهبری امریکا به بهانه " آزادی زنان " به این سر زمین تجاوز نمودند و میخواهند با شعار های فریبنده " آزادی زنان " و " مبارزه علیه تروریسم " ماهیت تجاوزکارانه خویش را پنهان سازند .

وظیفه تمام نیروهای انقلابی و مبارز است تا ماهیت تجاوزکارانه امپریالیست ها و چهره کریه رژیم دست نشانده را افشا نمایند و به توده ها تفهیم نمایند که امپریالیست ها نه بخاطر آزادی زنان بلکه بخاطر غارت و چپاول کشور های آسیای میانه ، جنوب آسیا و خاور میانه به این سر زمین لشکر کشی نموده اند . در طول مدت پنج سالی که از عمر رژیم دست نشانده می گذرد آشکارا دیده می شود که روز به روز شرایط زندگی برای تمامی زحمتکشان و بخصوص زنان مشکل تر گردیده است . چنانچه از اوائل سال جاری تا کنون بیش از صد ها حادثه خشونت علیه زنان به شمول قتل های ناموسی به

وقوع پیوسته است . امروز بصورت صریح و روشن مردم با چشمان خود می بینند که رژیم دست نشانده تا مغز استخوان کثیف است ، حاکمیت مردسالارانه در کشور در حال تقویت شدن است و وضعیت زنان رو به وخامت گرائیده است .

درینجا بطور مثال به چند واقعه دردناک قتل زنان و دختران اشاره می کنیم :

به تاریخ دهم اسد 1385 راضیه دختر جوان بجرم اینکه جوانی را دوست داشت و تن به ازدواج اجباری نمی داد توسط شورای قومی زیر کوه شیندند ولایت هرات به مرگ محکوم گردید و بعد از اینکه سینه هایش توسط برادرش بریده شد به قتل رسید .

به تاریخ 3 میزان 1385 یک دختر پنج ساله در کابل به حدی مورد تجاوز جنسی قرار گرفت که کاملاً بیهوش گردیده و به شفابخانه انتقال یافت .

به تاریخ 16 عقرب 1385 یک زن در تخار توسط صاحبمنصب پولیس مورد تجاوز جنسی قرار گرفت .

به تاریخ 20 قوس 1385 در ناحیه پنجم ولایت کابل یک زن به دست شوهرش به قتل رسید .

به تاریخ 21 قوس 1385 دو زن در لامان ولایت بادغیس به شکل فجیع بدست شوهران شان کشته شدند .

به تاریخ 4 جدی 1385 شخصی زنش را در منطقه بی بی مهروی کابل به قتل

تمام جنایاتی که در بالا ذکر شان رفت در واقع از طرف رژیم جموری اسلامی افغانستان مورد حمایت قرار گرفته است. به این معنی که هیچ یک از قاتلین و مجرمین محاکمه نگردیده و مجازات نشده اند. تمام جنایتکاران یا پا در میانی متفدین و مقامات بالای رژیم دست نشانده و با دادن رشوه به مقامات "امنیتی" و "غیر امنیتی" رژیم آزاد شده و جنایات شان نادیده گرفته شده است.

در افغانستان زنان یکی از بزرگترین قربانیان خشونت های ناموسی هستند و در هر اتفاق کوچک یا بزرگ، برای پاک کردن "لکه ننگ" از دامن قبیله و خانواده باید خون شان ریخته شود. رژیم پوشالی عملا حامی چنین قتل هائی است و با تبرئه نمودن قاتل بنام "ناموسداری"، در حقیقت خشونت علیه زنان را تشویق و تقویت می نماید. به این ترتیب، تمام جنایاتی که تا کنون مردان به عنوان ناموسداری مرتکب شده اند، مورد حمایت رژیم دست نشانده قرار گرفته، قاتلین و مجرمین یا تبرئه شده اند و یا اینکه به زودی از حبس رها گردیده اند. در نتیجه مردان با جرئت بیشتری به خشونت علیه زنان دست می زنند. این چنین عملکرد های رژیم پوشالی هر نوع آزادی را از زنان سلب می کند.

اشغالگران امپریالیست تمامی این جنایات را تحت نام "نسبیت فرهنگی" توجیه می کنند و نظاره گر باقی می مانند. به این ترتیب عملا مشوق جنایات ضد زن بوده و نشان می دهند که شعار های شان در مورد آزادی زنان میان تهی، غیر واقعی و فریبنده است. یگانه راه برای آزادی زنان از قید ستم و

رساند. به تاریخ 10 جدی 1385 جنرال عظیم هاشمی قومندان امنیه ولایت بغلان از طرف شب یک دختر را از خانه اش اختطاف نموده و برایش نکاح کرد. اعتصابات و تظاهرات مردم بغلان علیه جنایت عظیم هاشمی هیچ نتیجه ای در پی نداشت.

در درب خوش ولایت هرات پسر جوانی مادرش را به بهانه روابط نامشروع به قتل رساند.

پسر جوانی می خواهد خواهرش را مطابق میل خودش به شوهر دهد، اما خواهر این خواست برادرش را رد می کند و جوانی را که دوست دارد به او معرفی می کند. برادر جوان خونش "بجوش" می آید، با کارد به خواهرش حمله می کند و با زدن چندین ضربه کارد او را زخمی می سازد. مادر به کمک دخترش می شتابد اما او هم مورد حمله پسرش قرار می گیرد. در این حمله وحشیانه مادر جانش را از دست می دهد و دختر چند ماه زیر تداوی قرار می گیرد ولی تا هنوز از ضربات کارد در رنج است.

به تاریخ 15 دلو 1385 زلیخا دختر جوان در مسلخ ولایت هرات به جرم اینکه جوانی را دوست دارد توسط پدرش بنام نصرالله سر بریده می شود.

به تاریخ 20 دلو 1385 یک نفر بنام رضا فرزند بسم الله مسکونه غور درواز ولایت هرات به اثر شکوه و شکایتی که مادرش از عروس خود می نماید زنش را چنان مورد لت و کوب قرار می دهد که از دهانش خون می آید و بعد از چند ساعت فوت می کند.

وظیفه تک تک مبارزین مردمی و انقلابیون تبدیل سیاست به مقوله ای است که هر زن زحمتکش بتواند در آن سهمی داشته باشد، بر این اساس است که "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" وظیفه خود می داند که از تمامی مبارزات آزادیخواهانه در جهان و بخصوص مبارزات آزادیبخش زنان پشتیبانی و دفاع نماید و در این راستا روز جهانی زن (هشتم مارچ) را همه ساله گرامی بدارد.

استثمار جنسی مبارزه برای بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده می باشد. هیچ شکلی از مبارزه، آزادی زنان را تضمین نخواهد کرد مگر آن شکلی از مبارزه که خواهان تغییر بنیادی در شیوه تولید باشد و قدرت اقتصادی سیاسی را از رژیم پوشالی و استعمارگران که زن را جزء تملکات خصوصی خود می دانند گرفته و طبقات تحت استثمار و ستم را به قدرت برساند.

**مرگ بر اشغالگران!**

**مرگ بر رژیم دست نشانده!**

**مرگ بر سیستم مردسالارانه!**

\*\*\*\*\*

ای زن ای زن من سلامت میکنم  
بار بار من احترامت میکنم

ای زن ای زن ای رفیق راه من  
جان و دل را من نثارت میکنم

ای زن ای زن ای شکوه زندگی  
زنده گیم را فدایت میکنم

ای زن ای زن ای تو محکوم زمان  
آرزویم را به پایت میکنم

ای زن ای زن ای دلت پر داغها  
دست و پای توست در زنجیرها

ای زن ای زن نام تو شد عاجزه  
هر چه مهر است در حقت بی عاطفه

ای ضعیفه سیاه سر ای زن مادرم  
نام خود را من به نامت میکنم

## پرده پوشی جنایت با رشوه

از زنان در این مناطق به قتل رسیده اند و در چهارده مورد دیگر نیز زنان دست به خود کشی زده اند. " (اتفاق اسلام، 20 حوت 1385، صفحه 4)

پنجاه قتل و چهارده مورد خود کشی مجموعاً 64 فقره جنایات مردان در ظرف یکسال در یک حوزه است. " کمسیون مستقل حقوق بشر افغانستان " ثبت گردیده که در هر ماه حدوداً شش فقره جنایت می شود. اما کمسیون به اصطلاح حقوق بشر افغانستان در باره به محاکمه کشیدن این جنایتکاران لب به سخن نمی گشاید و نمیخواهد که حامیان این جنایات هولناک را به مردم معرفی کند.

آمار اصلی این جنایات بیش از این ها است. که در " کمسیون مستقل حقوق بشر افغانستان " ثبت گردیده است. یک نمونه آن را درینجا ذکر می کنیم.

به تاریخ 20 / 11 / 1385 زمانی که شب رضا فرزند بسم الله از خبازی اش به خانه می آید و خانمش به او چای می آورد مادر رضا از عروس خود به پسرش گله و شکایت می نماید. رضا از حرف های مادرش خشمگین شده بدون تامل و بررسی قضیه با پیاله چای به شدت به عقب گوش زنش می کوبد و بعد با مشت و لگد به جان او می افتد تا اینکه بی هوش و نقش بر زمین می شود و از دهنش خون می آید. آنزمان رضا آنرا نزد داکتر برده و داکتر مقداری دوا برایش تجویز می کند و بخانه بر می گردد. هنگامی که صبح رضا از خواب بیدار می شود و می بیند

گرچه آزار و اذیت زنان در افغانستان رکن اساسی سیستم مرد سالاری این جامعه است، اما از زمان تجاوز نظامی امپریالیست ها به رهبری امریکا آمار خشونت از قبیل قتل، تجاوز، خود سوزی و سوزاندن زنان توسط مردان روز به روز افزایش یافته است. علت بلند رفتن این آمار حمایت جمهوری اسلامی افغانستان از این جنایات است. روزی نیست که این جنایات در نقاط مختلف کشور اتفاق نیفتد. اما مسبب اصلی این جنایات محاکمه نمی شود. چنانچه تا حال هیچ یک از مسببین این جنایات محاکمه نشده اند. به همین خاطر هم هست که مردان با جرئت بیشتری هر روزه دست به این جنایات زده و آمارش قوس صعودی خود را می پیماید که حتی نهاد ها و سازمان های ارتجاعی نمی توانند که از بالا رفتن این ارقام چشم پوشی کنند. چنانچه " کمسیون مستقل حقوق بشر " افغانستان در گزارش تازه اش اعلام نموده است که: " ظرف سال روان خورشیدی بیش از صد مورد خود سوزی در میان زنان، تنها در حوزه جنوب غربی کشور ثبت گردیده است. این کمسیون پس از یک بررسی در شش ماه اخیر خاطر نشان میکند: ازدواج های اجباری، اختلافات خانوادگی، نگرش های مرد سالارانه و فقر، از عوامل اصلی خود سوزی زنان بوده است. مسئولان مستقل حقوق بشر افغانستان گفته اند: این بررسی همچنان نشان داده که ظرف امسال حدود پنجاه نفر



کند اما قاضی محکمه نسبت به نبود ولی دختر معذرت می خواهد و میگوید که شرعا خواندن نگاه بدون ولی دختر جائز نیست . هر دوی شان نزد آقای حقجو ولسوال کشک کهنه میروند و آقای حقجو که رشوت را خوب می شناسد و از اعضای برجسته حزب جمعیت اسلامی میباشد و در زمان جهاد رئیس دفتر جمعیت اسلامی در تهران بود ، با گرفتن رشوه از پسر چند نفر از آخوند های محلی را جمع نموده و هر دوی شان را با هم نکاح می کند و به ایشان می گوید که از منطقه بیرون شوند تا مورد آزار واذیت پدر دختر قرار نگیرند

دختر و پسر منطقه را ترک می کنند . پدر دختر کوچی است و از قومان امان الله گی می باشد از قضیه با خبر شده و فوراً خود را به زیر کوه شیندند میرساند . از آنجا نامه ای عنوانی سید حسین انوری والی هرات می آورد . والی هرات به جستجوی دختر و پسر می شود و بالاخره آنها را پیدا نموده ، دختر و پسر مورد تهدید تا سرحد مرگ قرار می گیرد . بالاخره با پا در میانی آقای انوری والی هرات جرگه قومی از هر دو طرف ( پدر دختر و پدر پسر ) دایر می گردد ، جرگه قومی دو طرفه فیصله به عمل می آورد که پدر پسر باید دو دخترش را به نکاح دو برادر دختر در آورد . پدر بچه دو دخترش که یکی هشت سال و دیگری سه سال دارد بنکاح دو برادر دختر در می آورد قضیه بدین شکل حل می شود .

به وضوح دیده می شود علاوه بر اینکه رژیم دست نشانده بفرکر جلوگیری از این جنایات هولناک نیست بلکه از آن کاملاً پشتیبانی می نماید . چنانچه دو طفلی که

که زن جوانش دیگر زنده نیست فوراً به موضوع کفن و دفن آن می پردازد . در این اسنا کسی به ماموران جنائی قوماندانی امنیه ولایت هرات اطلاع می دهد . ماموران جنائی به محل حادثه می آیند ، هنگامیکه آنها به محل حادثه می آیند جنازه را در حال انتقال به گورستان می یابند . ماموران خواهان انتقال جنازه به طب عدلی می شوند . قضیه با وساطت بعضی اشخاص متنفذ محلی و فرمانده سابقه جهادی قاری احمد ( مشهور به قاری یکدست ) که از اقوام قاتل می باشد و همچنین با پرداخت رشوه به ماموران جنائی حل و فصل میگردد و موضوع مانند سائر موضوعات جنائی ( قتل های ناموسی ) مسکوت گذاشته می شود . این واقعه در سرپل غور درواز ناحیه پنجم امنیتی ولایت هرات یعنی محل سکونت جنگ سالار جهادی قاری احمد اتفاق افتاده است .

این قضیه در شهر هرات افغانستان اتفاق افتاده است و در کمیون مستقل حقوق بشر افغانستان ثبت نگردیده است . اما در قریه جات دور دست هرات حتی می توان گفت که نود در صد اینچنین قضایا به ادارات دولتی و یا شفاخانه نمی رود ، همانجا از طریق جرگه های قومی حل و فصل می شود .

گزارش رسیده دیگر از ولسوالی کشک کهنه ولایت هرات حاکی از آن است که یک دختر و پسر جوان که یکدیگر را دوست دارند و می خواهند که با یکدیگر ازدواج کنند . چون مانع بر سر راه ازدواج شان وجود دارد ، هر دو به محکمه ولسوالی کشک کهنه میروند و از قاضی تقاضا می نمایند تا ایشان را نکاح

1385 خود تحت عنوان برنامه ستره محکمه برای ثبت ازدواج ها می نویسد : " مسئولان ستره محکمه گفته اند که با اجرای طرح ثبت ازدواج ها موفق خواهند شد از ازدواج های اجباری و یا قبل از وقت و نیز بد ( بدل ) { دختر خون } دادن دختر ها جلوگیری کنند . " اینها حرف هائی است که برای فریب مردم بکار برده می شود و هیچگاه جامه عمل نخواهد پوشید . همانطوریکه فرمان شماره هفتم رژیم دست نشانده روسها روی کاغذ باقیماند و هیچگاه جامه عمل نپوشید .

امروز تمامی مرتجعین از حقوق زن دم میزنند ، اما نه میتوانند و نه میخواهند که در آن راه گامی بردارند . حقوق زنان هیچگاه نمیتواند به شکل تحافی از طرف امپریالیستها و مرتجعین به زنان اهدا گردد ، بلکه این حق میتواند از طریق مبارزات خستگی ناپذیر خود زنان بدست آید .

زنان افغانستان امروز دریافته اند که موقعیت امروزی شان در مقایسه سی سال قبل یعنی قبل از قدرتگیری مزدوران روسی بدتر شده حق و حقوق شان بطور غیر باوری پامال می شود . و این نکته را باید درک نمایند که امپریالیست های اشغالگر در افغانستان فقط به فکر منافع استعماری خود هستند و لاف و گزاف آنها در مورد آزادی زنان فریبی بیش نیست . زنان باید بدانند که اشغالگران امپریالیست که با تجاوز و اشغالگری شان وعده " رهائی " را به زنان پیشکش نمود و رژیم جمهوری اسلامی نیز وعده بهشت برین را برای زنان داد ، عملاً ثابت ساختند که حامی قاتلین و خشونت علیه زنان بوده و تحایف شان برای زنان همین موقعیت بد و تحمل جنایات مردان است و بس .

فقط پدر و مادر شان را می شناسند اصلاً همه چیز برای آنها نامفهوم است جز اسباب و وسایل بازی شان با وساطت والی هرات به نکاح در می آید . و خانم صبحرنگ با خوش خیالی و فریب مردم می گوید که : " ایجاد محاکمه قضائی به منظور رسیدگی به مشکلات خانوادگی در سطح ولسوالی ها ، ثبت رسمی ازدواج ها و سر انجام برخورد جدی محکمه ها با ناقضان حقوق زن از دیگر برنامه هایی است که باید عملی شود . " ( اتفاق اسلام یکشنبه 20 حوت 1385 ، صفحه 4 )

طوریکه به وضاحت دیده میشود زمانیکه در کشک کهنه دختر و پسر به محکمه حاضر می شوند و با میل خویش می خواهند که با هم ازدواج نمایند ، قاضی محکمه بدون حضور ولی دختر معذرت می خواهد و آنرا خلاف شرع قلمداد می کند . اما اختطاف دختر جوان از خانه اش در شهر بغلان توسط قوماندان امنیه و فرارش به کابل هیچگاه مسئله ولی مطرح نیست و نکاحش نیز خلاف شرع نمیباشد .

در جامعه مرد سالار افغانستان این زن است که در هر حادثه کوچک و یا بزرگ قربانی می شود . هر زمانی که بین دو قوم جنجال بروز می کند ، برای فرو نشاندن جنجال دختر قربانی است . هر قوم و طایفه به یکدیگر دختر میدهند یعنی دختر بدل می شود و در بعضی مواقع خانواده ای که آسیب دیده از طرف مقابلش در بدل آسیب دختر می گیرد و جنجال را به این شکل حل و فصل می کنند . در پشت این صحنه دست جمهوری اسلامی افغانستان برای حمایت جرگه قومی در کار است . گرچه برای اغفال و فریب توده ها اتفاق اسلام در شماره بیست حوت

متن ذیل ، سخنرانی یکی از منسوبین " جنبش انقلابی جوانان افغانستان " است که در آخر یکی از محافل تجلیلیه هشت مارچ ( روز جهانی زن ) ایراد گردید .

حیله برای فریباندن اذهان مردمان جهان افغانستان و بویژه زنان کشور .

شما می توانید عمق تجلیل کلیشه ای و فریبنده هشت مارچ را از طرف رژیم در این امر متوجه شوید که در ادارات رژیم ، هشت مارچ فقط با جمع شدن مامورین دولتی زن و مرد خلاصه می شود که جز کله خوری کاری انجام نمی دهند و در این محافل جز خنده های تمسخرآمیز و توهین آمیز چیز دیگری نصیب زنان نمی گردد . مردان و زنانی که هیچ گونه شناخت و آگاهی از ماهیت واقعی این روز و چگونگی شکلگیری آن ندارند ، چگونه می توانند کار بهتر از این انجام دهند . در اینگونه محافل ، تجلیل به گونه قلبی و فرمایشی برگزار می گردد . سخنرانی ها جز سر همبندی کردن اراجیف و حرف های کلیشه ای چیزی دیگری نیست . یقیناً محافل دولتی امسال هم همانند محافل سال های قبل خواهد بود و نمی تواند بهتر از آن ها باشد . این است آن چه زنان افغانستان از تجلیل فرمایشی دولتی روز هشت مارچ نصیب شان می گردد .

بطور خلاصه می خواهم بگویم که رژیم در تجلیل فرمایشی از هشت مارچ دو منفعت و هدف دارد :

هدف اول همان طوریکه قبلاً هم گفتم ، فریب اذهان توده های مردم جهان ،

لاله این چمن آلوده رنگ است هنوز سپر از دست مینداز که جنگ است هنوز های آسوده نشین لب ساحل بر خیز که ترا کار به گرداب نهنگ است هنوز

با تشکر از دوستان که در اینجا تشریف آورده اند و در تجلیل و گرامی داشت از روز جهانی زن سهم گرفته اند .

من هم به نوبه خویش این روز را به تمام زنان جهان و به ویژه زنان در بند افغانستان و مردان حامی مبارزات زنان تیریک می گویم و امیدوارم روز فرا رسد که تمام زنان کشور آزادانه و مستقلانه در سراسر کشور این روز مبارزاتی را جشن بگیرند .

آری ! در شرایط اوج ابتدال و توهم خفقان آور که فضای کشور را مسموم و آلوده نموده و انسان های مبتذل ، بی فرهنگ و خود فروخته را کر و کور نموده است ؛ آنانکه جز آستان بوسی ارباب و چاپلوسی برده وار نزد آنها و آرزوی رسیدن به موقف و مقام و پر نمودن کیسه های شان کار و هدف دیگری ندارند . در شرایطی که آزادی زنان افغانستان و تامین حقوق آنها روپوش و پرده فریب برای استتار جنایات اشغالگران و خائنین و وطنفروشان گردید است . در چنین شرایطی برگزاری تجلیل از هشت مارچ از طرف رژیم چیزی نیست جز ترفند و

افغانستان و بویژه زنان است، چرا که یکی از روپوش های تجاوز بالای افغانستان همین آزادی زنان افغانستان بود و برگزاری از هشت مارچ توجیه بسیار خوبی برای این پرده پوشی فریبکارانه و غارتگرانه است.

هدف دوم این است که اشغالگران، رژیم دست نشانده و سایر گماشتگان مزدور شان از این طریق برای میان تهی کردن این روز مبارزاتی و انقلابی تلاش می کنند.

من واقعا خرسندم از اینکه محفل ما، و لو با تعداد افراد اندک از خواهران و برادران و خصوصا با حضور جوانان در این محفل، یک بدیل و الترناتیف است که در پیش پای زنان قرار دارد. برگزاری محفل ما کاملا در تقابل و تضاد با آنچه رژیم انجام می دهد، هست و باید هم باشد. ما تلاش خواهیم کرد برگزاری محفل ما سر آغاز حرکت جدی و قاطعی باشد برای ادامه فعالیت های مبارزاتی مان در جهت رشد و ارتقای هر چه بیشتر جنبش زنان در کشور. محفل ما و سایر محافل برگزاری هشت مارچ که از طرف "جنبش انقلابی جوانان افغانستان" و "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" در سایر نقاط کشور برگزار می شود و یا در آینده برگزار خواهد شد در واقع ترسیم کننده آن حرکت نوین مبارزاتی و انقلابی در کشور است که باید برایش راه باز کند و هوادارانش را در میان زنان افغانستان بیابد. این است آرزوی ما که ما مصممانه برای تحقق عملی آن مبارزه می نمایم.

موضوعاتی را که دوستان در مقالات

خواندند، مسایل بسیار مهم است و طرح این گونه مسایل برای تفهیم مردم ما بویژه زنان از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. این گونه مسایل بنیادی که به طرز درست و اصولی ترتیب و تدوین گردیده و در خدمت مبارزه انقلابی واقع شود، نیاز مبرم جامعه ماست. ما باید خط فاصل میان آنچه رژیم انجام می دهد و آنچه ما در راه آن مبارزه جدی می نمایم، بکشیم. ما باید زنان و دختران جوان را به مبارزه بنیادی و انقلابی آشنا سازیم و خط مان را پیش پای آنها قرار دهیم. ما باید به آنها اعتماد کنیم و به آنها صریح و رک برخورد نماییم. ما فکر نمی کنیم که مواضع ما برای اکثریت زنان و دختران جوان قابل تفهیم نباشد و آنها جرئت اتخاذ مواضع اصولی صریح را نداشته باشند. در همین سال جاری استقبال زنان و خصوصا دختران جوان از نشریه های "هشت مارس"، "نبرد زن" و "پیکار جوانان" بسیار عالی و امیدوار کننده بود و نشان داد که زنان و دختران جوان به دلیل موقعیت اجتماعی ای که دارند به این گونه مسایل انقلابی و بنیادی بیشتر از مردان و جدی تر از آنها برخورد می کنند. این را ما در تجربه دیدیم. از طرف دیگر این مسایل به ما امیدواری بیشتری می دهد که مردم و به خصوص زنان از لاف و گزاف های هوایی و اراحیفی که رژیم تلاش داشته و باز هم تلاش می نماید که با طرح آنها و باغ سرخ و سبز نشان دادن به زنان و مردم ما، آنها را فریب دهد و در مدت پنج سال گذشته به دلایل مختلف از جمله توهم مردم در مقابل رژیم، بالای تعدادی از آنها تا حدی کاربرد داشت، دیگر خسته شده اند.

نظام ناعاد لا نه جوامع طبقاتی میباشد . در اولین نظام طبقاتی یعنی جامعه برده داری که ستم بالای زن آغاز می گردد زنان به جنس درجه دوم و فرودست تبدیل می شود . در همان جامعه ، زن بصورت برده قابل خرید و فروش در می آید که از هر گونه مزایای حقوقی و انسانی محروم بوده جزئی از ابزار و وسایل به شمار می رود . در سراسر دوره نظام برده داری کارهای فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی قلمرو فعالیت مردان است . در نظام فیودالی زنان شخصیت مستقل و انسان آزاد محسوب نمی شوند ، بلکه جزئی از " آبرو و حیثت " مردان به حساب می روند .

و اما در دوران نظام سرمایه داری حاکم بر جهان ، همان نظوری که همه چیز بر مبنای سود و سود آوری چرخ می زند . زنان نیز به عنوان کالا و وسیله ی در جهت سود آوری استفاده می شود .

بنا بر این ستم بر زن ریشه در نظام ناعادلانه حاکم بر جهان دارد و تا زمانی که این نظام ناعادلانه در جهان حاکم و قانون جنگل مسلط باشد ، ستم بر زنان کماکان ادامه خواهد یافت و نمیتوان بدون مبارزه علیه ستم استعماری و استثمار طبقاتی به رهایی زنان دست یافت . این است اصل مطلب که باید به آن توجه داشت . هرگونه مبارزه ریفورمیستی و فمینیستی محض نمیتواند ستم بالای زن را برچیند . زنان و دختران جوان باید به این مسئله سخت توجه نمایند . من صحبت هایم را در همین جا ختم میکنم و امیدوارم ادامه جر و بحث ها برای حل و شفافیت موضوع ادامه پیدا کند . **تشکر از توجه تان .**

اثبات ناکار آمدی رژیم و ترکیدن پوقانه باز سازی و آزادی زنان و اثبات دروغ بودن لاف و گزاف ها در این موارد توهمات را تا حد زیادی از میان برده است . در این گونه موارد نقش نیروی انقلابی ارائه خط بنیادی و انقلابی در مقابل خط و موضع ارتجاعی و مزدوران برده صفت است که باید جرئت مندانه آن را در میان مردم برد و به بحث و جدل جدی و منطقی به افشای رژیم دست زد . اگر ما دیرتر حرکت نماییم ممکن است اشغالگران و رژیم پوشالی برای به دام کشیدن مردم ما ، تغییر چهره داده و باز باعث تشدید توهم در میان مردم ما بویژه زنان گردد .

مطلبی که می خواستیم امروز بیشتر در مورد آن بپیمیم و مورد تعمق بیشتری قرار دهیم ، همان نظوری که از مجموعه مقالات استنباط می شود ، این است که ستم بر زن تنها مربوط به افغانستان نیست و تنها مربوط به قرن بیست یکم نیست ، بلکه یک پدیده فرا ملیتی و کشوری هست که از زمانه های خیلی قدیم تا به امروز ادامه دارد . گرچه با این موضوع نمی توان در مدت زمانی به این کوتاهی و بصورت سرسری برخورد لازم به عمل آورد . این موضوع ، میحت بسیار مهمی است که باید از زوایای مختلف مورد مذاقه قرار گرفته و موشگافی گردد . من بطور خلص می خواهم فقط به یک نقطه اشاره کنم و آن این است که ستم بر زن از آن سبب عمومیت دارد که این ستم از زمان به میان آدن جامعه طبقاتی آغاز گردیده و فقط توام با نابودی جامعه طبقاتی بصورت کامل از میان خواهد رفت . ستم جنسی ناشی از سرشت ذاتی

اعلامیه مشترک " جنبش انقلابی جوانان افغانستان " و " دسته هشت مارچ زنان افغانستان " به مناسبت تقبیح پنجمین سالروز تجاوز امپریالیست های امریکایی و متحدین شان بر افغانستان

## به پیش در راه شکله‌ی و شگوفایی هر چه بیشتر و وسیع تر مقاومت ملی مردمی و انقلابی

برای تجاوز و لشکر کشی به افغانستان نقشه کشیده و تدارک می دیده اند . امروزه تقریباً نیمی از نفوس خود امریکا و جمع کثیری از مردمان سائر کشور ها ، با توجه به دلایل و شواهد روشن ، به این عقیده رسیده اند که حادثه یازده سپتامبر صحنه سازی ای بوده است که مقامات کشوری و لشکری امریکایی در نمایش دادن آن سهم بوده اند تا از آن به عنوان یک " پرل هاربر جدید " استفاده نمایند . در جریان جنگ جهانی دوم ، حاکمان امریکائی عمدا اجازه دادند که قوای جاپایی به آسانی پایگاه نظامی امریکا در " پرل هاربر " را مورد حمله قرار داده و قوای چند هزار نفری امریکایی مستقر در پایگاه مذکور را قتل عام نمایند ، تا جو و فضای مناسب برای اعلان جنگ علیه جاپان به وجود بیاید .

اینک که مدت پنج سال از آغار کارزار تجاوز گرانه و اشغالگرانه امپریالیست های امریکایی و متحدین شان ، که نام " جنگ ضد تروریزم " بر آن نهاده اند ، می گذرد ، دیگر به روشنی ثابت گردیده است که جنگ بعد از " پرل هاربر دوم "

با فرارسیدن هفت اکتوبر 2006 ، پنج سال از آغاز تجاوزگری و اشغالگری امپریالیست های امریکائی و متحدین شان بر افغانستان می گذرد . آنها واقعه 11 سپتامبر 2001 در امریکا را به مثابه روکش و بهانه ای برای حمله بر افغانستان و آغاز کارزار زورگویانه امپریالیستی شان برای اشغال و کنترل مستقیم کل منطقه ، مورد استفاده قرار داده و شام هفتم اکتوبر 2001 افغانستان را مورد حمله قرار دادند . هدف این حمله و تجاوز ، از میان بردن پایگاه های القاعده در افغانستان و کشتن و یا دستگیری اسامه بن لادن و همچنان سرنگونی رژیم طالبان بمثابه رژیم حامی القاعده اعلام گردید . اما هدف اساسی این یورش سبعانه ، اشغال افغانستان و لگد مال کردن کامل استقلال و آزادی این کشور و مردمان آن و تبدیل کردن آنها به یک کشور مستعمره و مردمان تحت انقیاد مستقیم بود .

با گذشت پنج سال از هفتم اکتوبر 2001 ، دیگر به روشنی هویدا گردیده است که سردمداران هیئت حاکمه امریکا ، مدت ها قبل از وقوع حادثه یازده سپتامبر 2001 ،

مستعمراتی یا نو مستعمراتی تبدیل می گردد و بازهم مشکل اساسی مردمان افغانستان و منطقه بحال خود باقی می ماند.

هم اکنون نیاز عمده مردمان افغانستان و مردمان منطقه، مقاومت علیه اشغالگران و دست نشانندگان شان است. اما این مقاومت باید یک مقاومت ملی مردمی و انقلابی باشد تا خونهای مبارزات حماسی توده ها، مثل مقاومت های ضد انگلیسی و ضد سوسیال امپریالیستی مردمان ما، به هدر نرفته و به پای استعمارگران و ستمگران بومی و باز هم در نهایت به پای امپریالیست ها نریزد و توده های مردم بازهم چیزی جز محرومیت، فقر و در یک کلام تحمل استعمار و ستم نصیب دیگری نبرند.

" جنبش انقلابی جوانان افغانستان " و " دسته زنان هشت مارچ " یکبار دیگر اعلام می نمایند که مقاومت علیه اشغالگران امپریالیست و دست نشانندگان آنها، حق و مسئولیت وطنی و ملی مردمان افغانستان است. ما اعلام می کنیم که مبارزات مان را در مسیر مقاومت ملی با بنیاد مردمی و جهتگیری انقلابی به پیش خواهیم برد و یکجا با سائر نیروهای مردمی و انقلابی افغانستان به پیش خواهیم رفت. یقین کامل داریم که چنین مقاومتی قادر خواهد بود نه تنها اشغالگران را از کشور اخراج کرده و دست نشانندگان شان را سرنگون نماید، بلکه به مثابه مرحله ای از مبارزات توده ها در جهت سرنگونی نهایی استعمار و ستم و به مثابه گامی در جهت سرنگونی نظام حاکم نیز عمل خواهد کرد. چنین مقاومتی قادر است حمایت توده های مردمان جهان،

به مراتب طولانی تر از جنگ بعد از " پرل هاربر اول " خواهد بود. گرچه سومین جبهه این جنگ، پس از افغانستان و عراق، همین چندی قبل در لبنان گشوده شد، اما هنوز جبهات زیادی ناگشوده باقی مانده است. این در حالی است که در جبهات افغانستان و عراق نیز جنگ خاتمه نیافته، بلکه بیشتر از پیش تشدید گردیده است. امپریالیست های امریکایی و متحدین شان برای کل منطقه نقشه های جدیدی در سر می پروراند که پیاده کردن عملی آن ها تمامی مردمان و کشور های منطقه را بخاک و خون می کشاند.

ولی اکنون دیگر عملاً ثابت شده است که متجاوزین و اشغالگران امپریالیست و دست نشانندگان شان شکست ناپذیر نیستند. در طول پنج سال گذشته بطلان افسانه شکست ناپذیری آنها ثابت گردیده است. دیگر به خوبی روشن گردیده که مشکل مردمان منطقه و منجمله مشکل مردمان افغانستان این نیست که آنها قادر به مقاومت در مقابل قوت های مهاجم مدرن و مجهز و خونریز نیستند. این مقاومت در افغانستان، عراق و لبنان همچنان ادامه دارد. اما مشکل این هست که این مقاومت، یک مقاومت شدیداً ارتجاعی و واپسگرایانه است. چنین مقاومتی گرچه ممکن است سال های سال ادامه یابد و تحقق نقشه های اشغالگران را با مشکل مواجه سازد، اما دورنمای پیروز مندی برای ان نمی توان متصور گردید. اولاً چنین مقاومتی قادر نیست اشغالگران را از کشور های منطقه و افغانستان اخراج نماید. ثانیاً چنانچه به فرض محال چنین سرانجامی نیز پیدا نماید، در نهایت شکل مستعمراتی سلطه امپریالیستی به شکل نیمه

منجمله مردمان امریکا و سائر کشور های امپریالیستی اشغالگر ، را نیز جلب نموده و ضربات کاری ای بر کل نظام امپریالیستی حاکم بر جهان وارد نماید .  
 " جنبش انقلابی جوانان افغانستان " و " دسته زنان هشت مارچ " تمامی نیروها و شخصیت های ملی ، دموکرات و انقلابی را به شکلهی هر چه بیشتر و شگوفایی هرچه روز افزون تر مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و خائنین ملی فرا میخوانند و حاضر اند در راستای سازماندهی وسیع و سرتاسری این مقاومت با تمام قوت و توان کوشش نمایند .

مرگ بر اشغالگران امپریالیست امریکایی و متحدین شان !  
 مرگ بر خائنین ملی دست نشانده و وطنفروش !  
 به پیش در مسیر مقاومت ملی مردمی و انقلابی !  
 زنده باد استقلال ، آزادی و انقلاب !

## جنبش انقلابی جوانان افغانستان ----- دسته هشت مارچ زنان افغانستان

هفتم اکتوبر 2006 --- هفدهم میزان 1385

\*\*\*\*\*

چشمه جوشان	دست	نشکنید .	خشمگین
انقلاب	ستمگران		خواهرانم!
ازرنج سالیان.	گل های سرخ	خشمگینم	در خود
	گدازان	خواهرانم !	فرو نریزید
خشمگین	خونین	بشوید	بغض تان
خواهرانم!	به یاد آنهمه	تحقیر لحظه ها	که می سوزاند
برده ایم ما	خون ها که	تحقیر روز ها	جگر را
برده	ریختند اینان .	تحقیر سالیان	که می سوزد
			روحتان .
برده برده گان	خشمگین	خشمگین	
حق است خشم	خواهرانم!	خواهرانم!	خشمگین
ما	از نیش درد	آتشفشان	خواهرانم!
پس بشکنید	نیزه بسازید	شویم	ترحمی نیست
	به پرواز	گل های خشم	برای
بشکنید	سوی شان	شگوفای کنید	در ماندگان
	از خشم	گل های و حشی	نیست بهشتی
زنجیر هایتان .	و از خروش	باخارهای	برای ضعیفان
	چشم	خشم که	پس نشکنید
	بسازید	بشکافد	به شکست



## خیزش بیست هزار نفري سرچشمه روز جهاني زن

مي كرديم، و خوراك ارزان مي خورديم. هيچ پيشرفتي در كار نبود. در انتظار روزي كه وضع بهتر از اين شود نبوديم.” در سال 1908، زنان در كارخانه هاي مختلف نساجي، شروع به راهپيمايي و اعتصاب كردند. بعضي اوقات، شركتها حاضر مي شدند بخشي از مطالبات كارگران اعتصابي مرد را تامين كنند تا اعتصاب پايان گيرد. اما اين نكته در توافقنامه قيد مي شد كه: “هيچ بخش اين توافقات مربوط به زنان نيست و در مورد آنان به اجراء در نخواهد آمد.” زنان كه بسياري از آنان نوجوان بودند، غيرم دستگيري هاي گسترده، جريمه هاي سنگين، و ضرب و شتم توسط پليس و اوباش مزدور، به تظاهرات ادامه دادند. زباني از طبقات مباني و بالائي جامعه نيز از اعتصاب كنندگان الهام گرفتند، براي اعلام پشنيباني به محل تحسن آنان آمدند و دستگير هم شدند. و زماني كه روزنامه ها گزارشاتي در مورد اين دستگيري هاي غير عادي منتشر كردند، عامه مردم رفته رفته به شرايط وحشيانه و بردگي مزدي زنان اعتصابي پي بردند.

بعد از چند ماه مبارزات محدود در هر كارگاه، زنان تصميم گرفتند با دعوت به اعتصاب عمومي گسترده صنف خياط، سطح مبارزه را ارتقاء دهند. اما سران “اتحاديه بين المللي كارگران لباس دوزي هاي زنانه” در اين مورد هشدار دادند. رهبران اتحاديه از اين بحث كردند كه شما كوچك و ضعيفيد و براي تداوم اعتصاب،

آزاديخواهان و مبارزين سراسر دنيا، هشتم مارچ (روز جهاني زن) را جشن مي گيرند. اين يك جشن مبارزاتي است و از نبرد زنان سرچشمه گرفته است. بطور مشخص مبارزه كارگران مهاجر خياط در عمق محلات شرقي نيويارك، الهامبخش انتخاب يك روز ويژه براي بزرگداشت مبارزات زنان شد. روحيه زنان مهاجري كه از كارخانه هاي بيرون آمده، در خيابانهاي آمريكا راهپيمايي کرده و با عزم راسخ خود همگان را به شگفتي واداشتند، بر سراسر قرن بيستم حكفرما بوده و كماكن زنده است. آن كارگر مهاجر، امروز نيز، الهامبخش ما در مبارزه براي رهائي كل نوع بشرند.

حول و حوش آغاز قرن بيستم، هزاران زن در منطقه پر جوش و خروش نيويارك كار مي كردند. اغلب آنان از روسيه، ايتاليا و لهستان مهاجرت کرده بودند. هر روز تا 15 ساعت كار مي كردند و به شكل قطعه كاري مزد مي گرفتند. پول نخ و سوزن، برق و حتي صندوق چوبي كه بايد روي آن مي نشستند را از آنان مي گرفتند. جريمه هاي سختي براي تاخير، ضايعات كاري و طولاني شدن وقت مستراح تعيين شده بود. كودكان نيز ساعات طولاني كار مي كردند. كنج كارگاه ها جمع مي شدند و لباس هاي توليد شده را نخ كشي مي كردند. يكي از كارگران دوزنده در شرح خاطرات خود چنين گفته است: “ما لباس ارزان مي پوشيديم، در سرپناه هاي ارزان زندگي

و معضلات دیگری که می توانست برایشان پیش بیاید نبودند. در آن روز خاص، آنان به هیچ چیز اعتنا نداشتند. این روز متعلق به آنان بود.

يك قاضي به هنگام اعلام حکم دادگاه در مورد چند نفر از زنان دستگیر شده، چنین گفت: “شما علیه خداوند و طبیعت اعتصاب کرده اید که قانون پایه ای آن اینست که انسان باید نان خود را با عرق جبین بدست آورد.” وقتی که برنارد شاو نویسنده ایرلندی این خبر را شنید، چنین نوشت: “محشر است! آمریکای قرون وسطایی همواره اعتماد صمیمانه شخصی خود را به قدرت باریتعالی اعلام میدارد.” اعتصاب ماه ها به طول انجامید و محرك اعتصابات در نواحی دیگر شد. هر چند این اعتصاب در زمینه تغییر شرایط کار فقط به موفقیت های قسمی دست یافت، اما “خیزش بیست هزار نفری” برخی امور مهم را دگرگون ساخت. این خیزش به مصاف طرز تفکری رفت که زنان مهاجر بیسواد را ناتوان می انگاشت. این خیزش، منطقه شرق نیویورک و بسیاری از زنان و مهاجران و مردم ستمدیده را از احساس سربلندی و قدرت انباشته ساخت.

در سال 1910، به هنگام سالگرد این مبارزات، هشتم مارچ از سوی کنفرانس بین المللی سوسیالیستها بعنوان روز بین المللی زنان اعلام شد. لنین، رهبر حزب بلشویک و انقلاب روسیه، در زمره کسانی بود که به تثبیت این سنت مبارزاتی رای دادند. از آن پس، کارگران آگاه و کسانی که برای رهایی زنان و پایان بخشیدن به کل نظام استثمارگر و ستمکار سرمایه داری نبرد می کنند، روز هشتم مارچ را در سراسر دنیا جشن می گیرند.

پول کافی ندارید. رهبران اتحادیه کوشیدند زنان را دلسرد کنند؛ کارگران را دعوت به “اقدام سنجیده” کردند. آنان از عواقب براه انداختن حرکتی به عظمت يك اعتصاب عمومی هراس داشتند؛ شك داشتند که زنان جوان و بی تجربه خیاط بتوانند از عهده این کار برآیند.

این جلسه ساعتها به درازا کشید، تا ناگهان يك دختر جوان بنام “کلارا لملیش” برخاست و شروع به صحبت کرد. او گفت: “من يك کارگرم. یکی از کسانی که علیه شرایط غیر قابل تحمل اعتصاب کرده ام. دیگران شنیدن حرفهای سخنرانان عامگو خسته شده ام. ما اینجا آمده ایم تا در مورد اعتصاب کردن یا نکردن تصمیم بگیریم. قطعنامه ای که من جلو میگذارم اینست که اعتصاب عمومی همین حالا اعلام شود!” سالن جلسه با ابراز احساسات تایید آمیز حضار به لرزه درآمد و “خیزش بیست هزار نفری” آغاز شد.

یکی از کارگران شرکت پیراهن دوزی “تریانگل”، واقعه را چنین تعریف کرد: “هزاران هزار نفر از هر گوشه، کارخانه ها را ترک گفتند. همه آنان بسوی “میدان اتحاد” روان شدند. ماه نوامبر بود و زمستان سرد به در می کوفت. هیچیک از ما کت به تن نداشت. اما روحیه خوبی داشتیم که به ما اجازه داد به راهپیمایی ادامه دهیم و خود را به سالن ها برسانیم. در آنجا موقتا از گزند سرما و باد در امان بودیم. جوانانی را بیاد می آورم که اکثرشان زن بودند و بی اعتنا به حوادث احتمالی همچنان به پیش می رفتند. روح پیروزی، تسخیرشان کرده بود. به اینکه چه در انتظارشان است فکر نمی کردند. آنان واقعا به فکر گرسنگی، سرما، تنهایی

## پیام حمایت از راهپیمائی هشت مارچ

آشکارا اعلام می نماید که علیرغم تمامی فریبکاری ها و ادعاهای میان تهی اشغالگران و دست نشانندگان شان در مورد تامین حقوق زنان ، اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده که دشمنان عمده تمامی مردمان افغانستان اند بصورت طبیعی و الزامی دشمنان عمده زنان افغانستان نیز محسوب میگردند . در افغانستان امروز هر زن و مردی و هر تشکل و نیروئی آزاد است که در مورد مسئله زنان به نفع اشغالگران و دست نشانندگان شان هر چه میتواند بگوید و هر چه می خواهد انجام دهد . اما یک چیز مجاز نیست : برقراری پیوند میان مبارزه زنان و مبارزه علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده ، توجه به تضاد عمده در جامعه و پیشبرد مبارزه در عرصه تضاد های بزرگ و مهم دیگر ، در پیوند و در تابعیت از پیشبرد مبارزه در عرصه تضاد عمده . از آنجائیکه " دسته هشت مارچ زنان افغانستان " اینچنین توجه و پیوندی را در راس وظایف مبارزاتی خود قرار داده و حاضر نیست از آن بگذرد و این مرزبندی را کمرنگ سازد ، ناگزیر است در افغانستانی که پیوسته یکی از دلایل تجاوز و اشغالگری امپریالیستی بالای آن ، " تامین حقوق زنان " اعلام می گردد ، مخفیانه و زیر زمینی فعالیت نماید . در شرایطی که اشغالگران امپریالیست ، رژیم دست نشانده و گروه ها و دسته های خیانت پیشه ، تسلیم طلب و متوهم مربوط و نزدیک به آنان برای برگزاری

به همزمان شرکت کننده در کارزار مبارزه زنان ... !  
دوستان عزیز !  
خوشوقتیم از اینکه یکبار دیگر همزمان عزیز ما روز جهانی زن را با برگزاری تظاهرات اعتراضی در شهر لاهه هالند تجلیل می نمایند . امید داریم که راهپیمائی امسال نیز همانند راهپیمائی پارسال موفقانه و با شکوه برگزار گردد و نقش سازنده ای در رشد و شکوفائی مبارزات حق طلبانه زنان بازی نماید .  
همسنگران رزمنده !

درینجا ، در افغانستان اشغال شده توسط امپریالیست های امریکائی و متحدین شان و پامال شده توسط دست نشانندگان رنگارنگ شان ، اشغالگران و خائنین ملی مسئله زنان را به نحو فریبنده ای ملعبه سیاست های امپریالیستی و خائنه شان قرار داده اند . آنان از زنان افغانستان انتظار دارند که در بدل " آزاد سازی امپریالیستی " و " تامین حقوق زنان " در یک کشور اشغال شده و تحت حاکمیت قوت های امپریالیستی متجاوز و رژیم دست نشانده ، به انقیاد ملی تن در دهند و استقلال و آزادی ملی شان را بفروشند . یکتعداد از زنان خیانت پیشه ، تسلیم طلب و یا متوهم و فریب خورده ، در رده های مختلف رژیم دست نشانده و بیرون از آن ، برای آرائش این فریبکاری ، روی صحنه های نمایش آورده شده اند تا دام فریب تکمیل گردد .  
" دسته هشت مارچ زنان افغانستان "

به مثابه یکی از ضرورت های مقاومت علیه قوت های اشغالگر خارجی و رژیم پوشالی مطرح می نمایند. این چنین بینش و کنشی که ستم بر زنان را به مثابه بخشی از ضرورت مقاومت علیه قوای اشغالگر خارجی و دست نشانندگان شان تقدیس می نماید، نه تنها یک بینش و کنش ستمگرانه ارتجاعی است بلکه در قدم اول یک بینش ضد ملی است و در مخالفت با ضرورت انصراف نا پذیر بسیج سرتاسری تمامی مردمان افغانستان در مقاومت علیه اشغالگران و خائنین ملی قرار دارد.

احصائیه های تقریبی نشان می دهند که هم اکنون زنان و دختران در حدود 54% نفوس افغانستان را تشکیل می دهند. بدون بسیج این نیمه بزرگتر نفوس کشور، مقاومت علیه اشغالگران و دست نشانندگان شان به هیچ وجهی نمی تواند یک مقاومت سرتاسری و فراگیر باشد. ستم بر زنان و مخالفت با مبارزات حق طلبانه آنان، در شرایط کنونی افغانستان، قبل از هر چیزی به مفهوم جلوگیری از سرتاسری شدن و فراگیر شدن مقاومت علیه اشغالگران و خائنین ملی است و چنین کاری یک جفای بزرگ ملی محسوب می گردد. "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" نه تنها بخاطر پاسخگویی مناسب و اصولی به ضرورت های کلی مبارزات حق طلبانه زنان بلکه در قدم اول بخاطر پاسخگویی مناسب به ضرورت های مقاومت عمومی تمامی مردمان افغانستان علیه اشغالگران و رژیم پوشالی، وظیفه خود می داند که علیه زن ستیزی ضد ملی و ارتجاعی طالبان بصورت جدی و قاطعانه مبارزه نماید.

دوستان رزمنده!

های پر طمطراق نمایشی روز جهانی زن آمادگی می گیرند، "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" برای برگزاری مخفیانه هشت مارچ در نقاط مختلف افغانستان برنامه ریزی کرده است. در این محافل تجلیلیه، استقلال و آزادی ملی افغانستان و مردمان آن، در بدل "حقوق زنان" به معامله گذاشته نمی شود. "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" تعهد سپرده است که به مثابه بخشی از مقاومت ملی مردمی و انقلابی و مبارزات تدارکی برای برپائی و پیشبرد چنین مقاومتی، مبارزاتش را در راه تامین حقوق زنان به پیش برد. ما هر سطحی از بی توجهی به مقاومت ملی مردمی و انقلابی و مبارزه تدارکی برای برپائی و پیشبرد آن به مثابه وظیفه مبارزاتی عمده کنونی و عمده قرار دادن وظایف مبارزاتی دیگری به جای آن را، درجه ای از تسلیم طلبی ملی در قبال اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی و یا حد اقل گرایش به چنین سمتی می انگاریم و وظیفه خود می دانیم که علیه آن مبارزه کنیم.

در شرایط کنونی افغانستان به وضوح دیده می شود که نیروهای زن ستیز بومی عمدتاً در رژیم دست نشانده گرد هم آمده اند و اینان همه در رکاب امپریالیست های اشغالگر می جنگند. اما از چنین واقعیتی نباید نتیجه گرفت که زن ستیزی محدود و منحصر به آنها است. زن ستیزی طالبان معارض حتی غلیظ تر و خشن تر از زن ستیزی رژیم پوشالی است و بدون پیشبرد مبارزه علیه آن، نمی توان از مبارزه علیه شوونیسم مرد سالار دم زد. یکی از جنبه های بسیار خطرناک زن ستیزی شوونیستی غلیظ طالبان این است که آنرا

ما مبارزات زنان ایران علیه رژیم ارتجاعی زن ستیز جمهوری اسلامی را با دیده قدر می نگریم . جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی دشمن عمده مردمان ایران و طبیعا دشمن عمده زنان ایران است و باید مبارزات زنان ایران علیه آن متمرکز گردد و عمدتا علیه آن پیش برده شود . اما در عین حال تجاوز امپریالیزم امریکا بر ایران خطری است که هم اکنون در چشمرس دیده می شود . بنابراین زنان رزمنده ایرانی در عین پیشبرد وظیفه مبارزاتی عمده یعنی مبارزه

علیه جمهوری اسلامی وظیفه دارند که علیه خطر تجاوز و اشغالگری امپریالیستی بر ایران نیز دست به مبارزه بزنند . " دسته هشت مارچ زنان افغانستان " خوشوقت است که می بیند در راهپیمائی اعتراضی شما ، هر دو وظیفه مبارزاتی توام و در پیوند با هم در نظر گرفته می شود .

یکبار دیگر دست های تان را می فشاریم و آرزو می نمائیم پیشروی های مداوم در مبارزات تان داشته باشید .

زنده باد مبارزات بر حق زنان ایران ، افغانستان و سراسر جهان !

" دسته هشت مارچ زنان افغانستان "  
اول مارچ 2007

))

روشنائی پیش می آید

و مرا در بر می گیرد

دنیا زیباست

اسارت مسئله نیست

ببین !

مسئله اینست که تسلیم نشوی

هر راه می توان رفت	هر کار می توان کرد
با رنج می توان گنج	از کام شیر آورد
از آسمان هفتم	باید ربود ماه
یا صید لاک پشتان	از قعر پنج دریا
دشوار نیست هرگز	پیچیده کار دنیا
جرات کن و خطر کن	بین فتح قله ها را

\*\*\*\*\*

قلب مرا بردارید

این قلب

این ستاره خونین را

این خون خشمگین را

این ارغوان کوهی را

که میچرخد در طوفان

و نعره می کشد از آتش جگر در باد.

بهاران

بهاران آزادی

بخوانید

آزادی بخوانید

آزادی بشنوید

\*\*\*\*\*

همه سر بسر تن به کشتن دهیم

از آن به که کشور به دشمن دهیم

چو کشور نباشد تن من مباد

تن من مباد و سر من مباد

نباید که میهن بود جای خصم

به دشمن نشاید بجز قهر و خشم

غصه در نغمه خون

غلغله زد

تندر شد

شد زمین رنگ دگر

رنگ زمان دیگر شد

آن دلاور

که قفس با گل خون می آراست

لبش آتشنه آمد

سخنش آذر شد .

## مرگ بر منشور خیانت ملی

زجر کشیده و بلا دیده این مرز و بوم تعلق دارد. آنها فقط پس از اخراج قوت های متجاوز و اشغالگر از کشور، سرنوختی رژیم دست نشانده کنونی و برقراری حاکمیت ملی و مردمی خود شان، خواهند توانست از این حق استفاده کنند.

4 - هم اکنون کشور در اشغال قوت های متجاوز امپریالیست های امریکایی و متحدین شان است و رژیم دست نشانده آنها بر مسند حاکمیت پوشالی تکیه زده است. به همین جهت، خیانت ملی و جنایات جنگی موضوعی نیست که صرفا به گذشته تعلق داشته باشد، بلکه هم اکنون نیز در کشور جاری و ساری است.

مردمان ما نه تنها حق دارند جنایتکاران گذشته را به پای میز محاکمه کشانده و به جزای اعمال شان برسانند، بلکه جنایتکاران حاکم کنونی را نیز می توانند - و باید - مورد تعقیب عدلی و قضائی و حقوقی قرار دهند و مطابق به جنایات شان جزا دهند.

5 - یکبار دیگر توهمات و تسلیم طلبی های پارلمانتاریستی ماهیت و جوهر خود را نشان داد و در عمل ثابت شد که متوهمین و تسلیم طلبانی که ادعای پیشبرد مبارزه مردمی از طریق پارلمان پوشالی را دارند، صرفا آرایشگر دموکراسی کاذب این رژیم هستند و هیچ کاری به نفع کشور و مردمان کشور انجام داده نمی توانند. ما اینها را به خروج اصولی و شجاعانه از پارلمان پوشالی دعوت می کنیم، در غیر آن در آینده جزء جنایتکاران به حساب خواهند آمد.

"دسته هشت مارچ زنان افغانستان"  
هشت مارچ 2007 (17 حوت 1385)

یکبار دیگر رژیم پوشالی ماهیت ضد مردمی و خائنانه ملی خود را نشان داد و ثابت ساخت که حاکمیت دست نشانده کنونی درکل مجمعی از خائنین ملی و دشمنان کشور و مردمان کشور است. سندی که بنام "منشور مصالحه و آشتی ملی" توسط هر دو بخش قوه مقننه و با توافق رئیس جمهور رژیم به تصویب رسید، در واقعیت امر منشور خیانت ملی است. این سند تمامی جنایات گذشته نوکران سوسیال امپریالیزم شوروی، جهادی ها و طالبان را مورد عفو قرار داده و جانیان را از تعقیب عدلی و قضائی معاف اعلام کرده است.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان این عمل خائنانه ملی را به شدت محکوم نموده و اعلام می نماید:

1 - رژیم تحت رهبری حامد کرزی، این شاه شجاع سوم، رژیمی است که توسط متجاوزین و اشغالگران امپریالیست و به زور قوت های مسلح و پول آنان بر مردمان افغانستان تحمیل گردیده و توسط اراده آزاد آنان رویکار نیامده است. این رژیم در هیچ موضوعی، منجمله در معافیت جنایتکاران از تعقیب عدلی و قضائی، صلاحیت نمایندگی از مردمان ما را ندارد.

2 - رژیم دست نشانده که تمامی ارگان های قدرت آن مملو از خائنین ملی و جنایتکاران قابل تعقیب عدلی و محاکمه است، اصولا حق عفو جنایتکاران گذشته را ندارد و نمی تواند آنان را از تعقیب عدلی و قضائی معاف اعلام نماید.

3 - حق تعقیب عدلی و به محاکمه کشاندن جنایتکاران صرفا به مردمان

# شیر زن قهرمان

قرن ها بر بستر سرد زمین  
 باد زهر آگین مغرب ، سرکش و مغرور  
 هر زمان  
 با هزاران حیله و نیرنگ و افسون پلید  
 تا پسین شوم ببخود هم‌رهی می کرد .  
 از دعای جیره خواران فرنگ  
 پیکر رنجور دهقان  
 زیر بار ناکسان فتنه جو  
 در میان تیره قبرستان نابودی فرو .  
 بس جوانان  
 روی نطع آدمیخواران بخون خفتند  
 خاک را با خون پاک خویش آغشتند  
 تا به کوهستان خاورآتش پیکار بالا شد .  
 تا خروشان باد شرق  
 بر دژ بیداد دد خویان مغرب  
 حمله پیرا شد .  
 در نخستین جرقه رزم و ستیز  
 کز محیط این وطن  
 - زین کهن ویرانه ای که امروز  
 عرصه بیداد دزدان است -  
 چابک و سوزنده در پرواز  
 شعله ها در کاخ جور برده سازان کرد .  
 عاقبت در صبحگاه روشن و رخشان  
 لشکر آزادگان در پهنه میوند  
 هر کجا آماده پیکار  
 سینه ها از کین دشمن سخت مالمال  
 دست ها در کار  
 تا کشد از روزگار دشمن میهن دمار  
 با طلوع آتش پیکار خونین مادران  
 از عقبگاه جوانان کوزه ها بر دوش  
 سینه ها پر جوش

سوی سنگر آب می بردند .  
 ناگهان از کید دشمن  
 رخنه اندر لشکر آزادگان افتاد  
 آه پرچمدار افغان کشته شد  
 پرچم رزم دلیران هم بخاک افتاد  
 خاطر جنگاوران ناشاد  
 دشمن آتش بجان خرسند .  
 اندرین هنگامه از اقصای لشکر دختری  
 قهرماتی ، شیر زن ، نام آوری  
 آذرخشی ، تند گامی  
 شعله آسا همچو برق  
 با سرود رزم بر لب  
 سوی پرچم در شتاب  
 ساغر چشمان او از باده آزادگی بیتاب .  
 او ملالی دخت با ایمان شرق  
 دختر زحمتکش دهقان شرق  
 پرچم افغانیان بر دوش کرد  
 گفتگوی ناکسان خاموش کرد .  
 دیده ها یک لحظه شد حیران و او  
 نعره رزمنده بر لشکر کشید  
 کز نهیبش خاطر دشمن پریشان شد .  
 او بسوی رزمجویان اینچنین فریاد کرد :  
 " که په میوند کی شهید نه سوی  
 خدایزو لالیه بی ننگی ته دی ساتینه "  
 این ندا در لشکر آزادگان پیچید  
 رزمجویان همچو شیران در نبرد  
 دشمن افتان و خیزان در گریز .  
 بعد از آن در دفتر تاریخ خلق  
 با خطی زرین  
 در کنار نام آن دخت دلیر  
 " قهرمان " بنوشته اند .